



بررسی گسست و سردرگمی معماری معاصر ایران از طریق عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (نمونه‌موردی: ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

مهديه شاه‌پروری

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.
mahdieh_Shahparvari@yahoo.com

بهروز منصورى

استاديار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
beh.mansouri@iauctb.ac.ir (نویسنده مسئول)

ایرج اعتصام

استاد گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ietessam@ut.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: مصرف امروزه به یکی از مهمترین مفاهیم جامعه بدل شده است که تأثیرش بر حیات شهری ممکن است در قالب نوعی احساس باشد، که این احساس باعث تعلق فرد به مصرف و فضای مصرفی می شود. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی گسست و سردرگمی معماری معاصر ایران از طریق عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

روش تحقیق: روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی-کمی است. و راهبرد پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می باشد شیوه گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با ابزار مصاحبه و پرسشنامه است. ضمن آنکه نتایج با استفاده از نرم‌افزار Spss تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: معماری، نمایشی معماری است که بسیار عامه‌پسند می‌باشد و در آن کلیه عناصر معماری تنها جهت خودنمایی و صرفاً به صورت تقلیدی از دیگر سبک‌ها و معماری دیگر کشورها نمود پیدا کرده‌اند. بی‌آنکه ارتباطی با فرهنگ، هویت و الگوهای معماری اصیل منطقه خود داشته باشد. به‌گونه‌ای شفاف نظیر آن چیزی که در کشورمان و در جامعه امروزی آشکار شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که عوامل سیاسی و فرهنگی بعد از انقلاب به شدت بر روند شکل‌گیری ساختمان‌های مسکونی این مناطق تأثیر گذاشته‌اند و سال‌به‌سال چهره این بناها از فرهنگ و هویت بومی خود فاصله بیشتری گرفته است و به سمت غرب و نوگرایی رفته است. در این راستا مسئله جهانی شدن نیز بی‌تأثیر نبوده است. در ایران و پس از انقلاب گرایش ویژه‌ای به فرهنگ پست‌مدرن شکل گرفت که نتیجه مستقیم جهانی شدن است. فرهنگ پست مدرن در ضدیت با روایت‌های کلان است و هویت را از شکل کلان به هویت‌های نسبی، خرد، بومی و منطقه‌ای تبدیل می‌کند که در دنیای معاصر فرهنگ جهانی به صورت اختلاط فرهنگی شکل می‌گیرد. بنابراین فرهنگ‌های جهانی غیرغربی که هنوز دچار کمبود آفرینش نظری هستند، معضل‌های وجودی تفکر غربی را به‌نمایش می‌گذارند، که این روند به‌خوبی در بناهای این مناطق به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، معماری، شهر تهران

مقدمه

سرگردانی و گم‌گشتگی معماری امروز، در جلوه‌های مختلفی بروز می‌کند: «بروز جلوه‌ها و چهره‌های مختلف بناها در شهر و عدم تبعیتشان از الگو یا نظامی واحد»؛ کاهش کیفیت مناسب بناها و کاهش طول عمر و پایداری شان؛ هیجان و شتاب موجود که در ذهن مردم برای مالکیت و سودآوری در موضوع ساختمان؛ سرعت یافتن بیش از حد در تنوع بخشی به معماری و ساخت و ساز کالبدی و مواردی این چنین جهت رهایی از این وضعیت می‌بایست به ریشه‌های گسست و دلایل گم‌گشتگی پی‌برد. در این میان، با نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی شرایط پدیدآورنده‌ی معماری گسسته و گم‌گشته، می‌توان موارد متعددی را برشمرد؛ که از میان انبوه علل متصور و مطرح ضمن ارائه تلقی روشنی از فرهنگ، کنکاش در وضعیت معماری معاصر، معطوف به ریشه‌ها شود. تغییر رویاهای ایرانیان طی اعصار و دهه‌های مختلف، باعث مطالبه‌ی دگرگونه در مقایسه با دنیای موجودشان بوده است. این امر هر از چندگاهی، دگرگونی‌هایی را به‌همراه خود به ارمغان آورده است که موجب تحولات بحران‌زا و بحران‌های تحول‌افزا در ایران شده است. ضمن آنکه این امر به‌نوبه‌ی خود تمرکز اجتماعی لازم را در پرداختن به «تجارب برآمده از تاریخ» و «هنجارهای جامعه»، برهم‌زده است (ثالث ثانی، ۱۳۹۱: ۵۱). درچنین شرایطی، تحول که برای فرهنگ در حکم زندگی و رشد است، در بستر مناسب صورت نمی‌گیرد و به بیراهه می‌رود. در معماری معاصر ایران نیز شاهد چنین تحولاتی هستیم؛ از جمله تحولات بحران‌زایی که بدون فراهم بودن بستر مناسب از دهه‌ی ۴۰ شمسی در بسیاری از شهرهای ایران رخ داده، مسأله‌ی مهاجرت بوده که به‌دنبال خود بحران مدنیت را به ارمغان آورده و این بحران موجب تغییرات و تحولاتی عمیق در معماری شده است. شهر و معماری ایرانی از ابتدای دهه‌ی ۴۰ با تغییر و تحول مفهوم‌ها و معناها و به‌تعبیری، «تغییر رویاها»، و همچنین با غلبه «کمیت» بر «کیفیت»، مواجه شد (معظمی و حجت، ۱۳۹۳: ۱۰۴). درچنین فضایی، هرآنچه کمی و یا عددی بود، میدان یافت (همانند اقتصاد)، و مفهوم کیفیت با شاخص‌های کمی بیان شد. رویاپردازی جامعه ایرانی برای تغییر و عبور از وضع موجود، رفته‌رفته با غفلت، به خواب‌زدگی منجر شد و این امر نهایتاً موجب گسست از جریان پیوسته معماری شد (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸: ۳۹). این گسست‌ها در نهایت، محصول معماری را نیز تحت‌تأثیر

قرار داد. در نتیجه سیر تحول رویاپردازی در جامعه ایرانی، «معماری»، طی دهه‌های گذشته، ابتدا به «معماری وابسته» - (وابسته به تفکر و دستاوردهای غرب)، و «معماری سوداگر» - تبدیل می‌شود و به‌سرعت به «معماری تقلید» - (تقلید بی‌محتوا از ظاهر معماری‌های دنیا)، «معماری فریب» - (بنایی ناموزون با ظاهری فریبنده و پیشرفته)، و دچار سرگردانی و گم‌گشتگی در میان نلحه‌های فکری و چهره‌های متکثر کالبدی شده و نهایتاً به «معماری سراب» - (طرح یا بنایی حاصل رویاها و تخیلات کالبدی)، بدل می‌شود. در دوره‌ی معاصر، به‌دلیل سرعت تحولات و گوناگونی‌ها، شناخت و متعاقب آن، کنترل مؤلفه‌های دگرگونی‌های فرهنگی بر معماری به سادگی میسر نیست و عمدتاً به ورطه‌ی فراموشی سپرده شده است (معظمی و حجت، ۱۳۹۳: ۱۰۹). از این‌رو پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به سؤالات ذیل می‌باشد:

- ۱) عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در دوران معاصر چه تأثیری بر شکل‌گیری معماری مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران داشته‌اند؟
- ۲) جریان‌های غالب در شکل‌گیری معماری معاصر در شهر تهران کدام‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی-کمی از نظر راهبردی از نوع توصیفی-تحلیلی و به‌لحاظ روش پژوهش، تحلیل محتوایی، استدلال منطقی، است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی نیز می‌باشد. ضمن آنکه ابزار گردآوری داده‌ها علاوه بر فیش‌برداری از منابع مکتوب دست اول و دوم، مصاحبه از صاحب‌نظران و مطرح نمودن پرسشنامه و تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس، است. لازم به‌ذکر است که در بخش مفاهیم و دیدگاه‌های نظری و مطالعات پیشین صورت گرفته از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است. در این روش ابتدا مقالات، کتب و رساله‌های معتبر خارجی و داخلی موردسنجش واقع شدند و سپس با به‌کارگیری تکنیک فیش‌برداری، محتویات مناسب و کارآمد از آن‌ها استخراج و ساختار محتوایی بخش‌های تئوری تدوین گردید. در جهت رهیافت به روابط و رابطه‌ی میان متغیرهای پژوهش براساس هدف از روش تحلیل محتوا و استدلال منطقی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر به سه دسته تقسیم شده‌اند:

- بناهای مسکونی ساخته‌شده پس از انقلاب اسلامی در فاصله زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۷ در منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران.
- تعداد ۳۵۷ نفر از ساکنین یکی از محلات ۱ تا ۳ شهر تهران.
- ۱۰ نفر از متخصصین و صاحب‌نظران حوزه پژوهش حاضر.

لازم به ذکر است که نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت نمونه‌گیری هدفمند است.

پیشینه تحقیق

در راستای بررسی سوابق این موضوع، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی انجام شده که در ذیل به صورت تفکیک شده به آن‌ها اشاره می‌شود. در ابتدا به بیان کتاب‌های منتشر شده در این زمینه می‌پردازیم. فلامکی (۱۳۷۱)، در کتابی تحت‌عنوان «شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب»، تصویری جامع از چگونگی تجارب معماری در ایران را با اشاره به سیرمعماری ایرانی و تداوم آن تا دوران معاصر همزمان با نگاهی به روند معماری در غرب ارائه می‌دهد. کیانی (۱۳۸۳)، در کتاب «معماری دوره پهلوی اول»، با نگرشی جامع معماری، ایران در دوره پهلوی را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد بحث قرار می‌دهد. در کتاب «نقد آثاری از معماری معاصر ایران»، (۱۳۸۷)، سیزده اثر معماری معاصر تحلیل و نقد شده است. این کتاب را مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری منتشر کرده است که حاصل طرح پژوهشی است که مهندسین مشاور «نقش»، انجام داده‌اند. باور (۱۳۸۹)، در کتاب «نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران»، عمدتاً مربوط به معماری دوران پهلوی است. بانی‌مسعود (۱۳۸۹)، در کتاب «معماری معاصر ایران»، نحوه مواجهه و میزان تأثیر عالم جدید و تغییرات آن بر ایرانیان را از دوره قاجار تا سه دهه ابتدایی انقلاب اسلامی بررسی می‌نماید. در این کتاب به بررسی و بیان جریان‌های اجتماعی مهم پرداخته شده است. بودریار (۱۳۸۹)، در کتاب «جامعه مصرفی»، با ترجمه پیروز ایزدی، به بحث از اسطوره و ساختار مربوط به مصرف‌گرایی در اواخر قرن بیستم فرانسه می‌پردازد و سعی دارد از نگاه تحلیل نشانگانی محصولات آرایشی، مواد غذایی، مد و غیره، نظام مصرفی جامعه مدرن را در راستای منطق نشانگانی حاکم بر وضعیت فرا واقعیت دنیای ارتباطات امروزی قرار دهد. از

نظر وی، جامعه مصرفی به واسطه اسطوره خوشبختی مفهوم نیاز را به صورتی فراواقعی خلق می‌کند تا به تبع آن بتواند تشویق افراد به مصرف بیشتر را توجیه کند. مصرف کالاها برطرف‌کننده شکاف‌های اجتماعی و سلسله‌مراتب تبعیض‌های عمده در حوزه قدرت است. اما مصرف نیز مانند آموزش فرصت‌های فرهنگی یکسانی برای بدنه اجتماع فراهم نمی‌کند و حتی مصرف شکاف‌ها را آشکارتر می‌کند. ایدئولوژی مصرف به واسطه کیفیت نجات بخش اشیاء در جامعه مصرفی تعریف می‌شود. زیرا در اختیار داشتن اشیاء اعم از: تجملی و کاربردی می‌تواند در راستای دست‌یابی به پایگاه اجتماعی فرد کارکرد یابد و فرد را قانع می‌کند که مصرف اشیاء علاوه بر اینکه او را به «خود واقعی‌اش»، نزدیک می‌کند. در کتاب «جامعه نمایش»، نوشته گی‌دوبور (۱۳۹۲)، با تبیین موقعیت نمایشی یا چیره بودن تصاویر بر زندگی، تمام اشکال دیگر حاکمیت را نشان داده است. به سیستم دستمزد کار و تولید کالا و تمام سیستم‌های سلسله‌مراتبی ایراد گرفته و متذکر شده که این‌گونه حاکمیت‌ها به قدرت بی‌حد و حصرشان تنها در سایه نمایش ادامه می‌دهند. او در بخشی از کتاب «جامعه نمایش»، می‌نویسد: «نمایش، تا حدودی انباشت سرمایه است که به تصویر تبدیل می‌شود»، و نتیجه می‌گیرد که تصویر واحد پول جامعه معاصر است. محمد دبدبه در کتاب خود با عنوان «طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی»، به بررسی جامع طراحی در محیط طراحی، ادراک و عوامل تأثیرگذار در طراحی، عوامل‌های رفتار انسانی در رویارویی با محیط طراحی، راهنمای طراحی داخلی و پایداری پرداخته و با پژوهش‌ها به عمل آمده از پژوهش معتقد است محیط طراحی در همه شرایط می‌تواند تعیین‌کننده کنش‌های انسانی باشد که باید به این پیش‌آمد در طراحی محیط سلطه جست (دبدبه، ۱۴۰۰). پی‌یر، بوردیو (۱۳۹۵)، در کتاب «تمایز: نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی»، ترجمه حسن چاوشیان، می‌پردازد. این «قضاوت‌های ذوقی» و «موقعیت‌های اجتماعی»، به آشکار ساختن رابطه غیرقابل تفکیک اقتصاد عمل و نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی است. هدف او پیوند زدن معنای محدود و هنجارمند فرهنگ (و کاربردهای متداول آن)، به مفهوم «انسان‌شناختی»، فرهنگ است؛ تا از این راه بتوان درکی همه‌جانبه از فرهنگ و کردوکارهای آن داشته باشیم. کوریگان، پیتر (۱۳۹۷)، در کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی مصرف»، ترجمه شایسته مدنی لوانی، نگاهی به ظهور مصرف در چند دهه اخیر

و توسعه آن به سمت راه‌های افزایش مؤلفه‌های مهم داشته که در زندگی روزمره با آن سروکار داریم. فصل دوم از توجهی تاریخی درباره توسعه به سمت رویکردهای فشرده جامعه‌شناختی می‌رود که سعی دارند نظریه مصرف و مصرف‌کننده را بسازند. بقیه فصول به حوزه‌های مختلف مصرف می‌پردازند. باتوجه به پژوهش‌های انجام‌گرفته پیرامون پژوهش حاضر مشخص گردید که تاکنون پژوهشی از باب بررسی گسست و سردرگمی معماری معاصر ایران از طریق عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (نمونه‌موردی: ساختمان‌های منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران)، انجام نگرفته است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این باره است.

چارچوب نظری

نقش فرهنگ در شکل‌گیری معماری

فرهنگ را به معنای عام کلمه به معنای پیشرفت‌های معنوی و ژرفای فکری یک قوم، قبیله یا ملت در طول تاریخ و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، مذهب، سنن، زبان، ادبیات، قوانین اجتماعی، هنر و معماری، ابزار و اشیاء مربوط به یک ملت یا قوم می‌دانند (آشوری، ۱۳۸۸: ۵۸). فرهنگ به معنای نگرش‌ها؛ باورها، آداب و رسوم و سنت‌های هر جامعه است. بحث از فرهنگ و شخصیت از جهتی تقسیم و تفکیکی نامربوط و طرح مسئله‌ای نادرست است. از طرفی می‌توان ادعا کرد که رفتار و وضع نفسانی اشخاص آیین‌های فرهنگ ناماست و فرهنگی جدا از افرادی که آن را دارا هستند، وجود ندارد. از سوی دیگر می‌توان گفت، که شخصیت بر اثر جریان فرهنگی شدن به وجود می‌آید. مفهوم شخصیت لااقل تاحدی نماینده جذب موارد عناصر فرهنگ موجود در محیط است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). در همین راستا؛ همان‌طور که وضعیت خاص طبقه اجتماعی رفتار و کردار خود را تحت نفوذ قرار می‌دهد، معیارهای انفرادی و گروهی نیز وسیله ایجاد فرهنگ می‌گردند و به‌طور غیرمستقیم روی افراد اثر می‌کنند. عضویت در طبقه اجتماعی قابل تغییر است زیرا شخص می‌تواند به‌طریقی وضعیت خود را توجیه نماید و یا تغییر دهد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۷۹). ولی تغییر فرهنگ و عوامل آن نه تنها از عهده یک فرد ساخته نیست، بلکه گاهی اوقات نیز نیازمند زمان طولانی و تغییر یک نسل می‌باشد. از این جهت است که فرهنگ در شکل‌دادن شخصیت نهایت اهمیت را دارد چون خصوصیات یک جامعه یا اجتماع خاصی را به وجود

می‌آورد و آنچه را به نام تمدن می‌خوانیم آشکار می‌سازد، مطالعه فرهنگ قبایل ابتدایی تر مراحل رشد فرهنگ را نشان می‌دهد (نقره‌کار و رئیسی، ۱۳۹۱: ۱۰). و هویت اجتماعی به ساده‌ترین بیان تعریفی است که فرد، بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارد. هویت اجتماعی اساساً از طریق مقایسه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. مقایسه‌هایی که درون گروه و بیرون گروه را از هم متمایز می‌کند. بنابراین اگر برای فرد جایگاه و ویژگی‌های تعریف شود که تنها با مقایسه با دیگران و ارتباط با دیگران معنا می‌یابد؛ ضمن اینکه هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران دارد و بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد، چراکه هویت افراد وابسته به برداشت‌های دیگران و شناسایی دیگران است و ناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت است، در معنای اصلی هویت، تشابه و تمایز مطلق است (جنکیز، ۱۳۸۱: ۴۵).

از این رو مفهوم هویت اجتماعی دال بر وجود مجموعه رفتارهای سازمان‌یافته بین گروهی است که به لحاظ اجتماعی به صورت یکسان و مشابه انجام می‌گیرد، و شناسایی هویت اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرارپذیر و بخش‌ها و نگرش‌هایی که در گروه‌های اجتماعی وجود دارد. نقره‌کار نیز هویت اجتماعی را یک نگاه طولی و ریشه‌دار به دو جنبه کالبدی و روحی یا ظاهری و باطنی تقسیم کرده است (Noghrekar et al, 2009: 3). که دین و محیط عناصر پایه‌ای هویت اجتماعی محسوب می‌شوند. چراکه؛ هویت عبارت‌است از پنداشت نسبتاً ثابت فرد از کیست‌یوچیستی خود که در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر تعریف شده و از طریق تعاملات اجتماعی و در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد و هویت اجتماعی عبارت‌است از خصوصیات اجتماعی عقاید ارزش‌ها و رفتارها و نگرش‌های متمایز گروه‌های اجتماعی و تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی و به صورت بازتابی از خود ارائه می‌دهد (چاوشیان، ۱۳۹۱: ۵)؛ لذا؛ الگوی ساختاری هویت اجتماعی بدین صورت است که در کلیه عناصر سازنده آن، برای جامعه‌ای که در حال تعادل باشد، عواملی همچون دین و محیط به‌عنوان لایه اول با یکدیگر در تعامل قرار می‌گیرند (دبده، رضوان پناه، ۱۳۹۹: ۵).

جوامع مبتنی بر ادیان از عنصر دین به‌عنوان ستون همه عناصر دیگر استفاده می‌کنند و جوامع غیردینی عناصری همچون جامعه، تاریخ یا قومیت و نژاد را مبنا

قرار می‌دهند (Noghrekar et al, 2009: 33). و لایه بعدی به سنت جاری جامعه اختصاص دارد که هم دارای جوانب آشکار و هم پنهان است. رفتارها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم و آداب، شکل زندگی مردم و غیره، همگی سنت آن جامعه محسوب می‌شوند (Rostampour, et al, 2014:15). ابعاد پنهان سنت - مثل ارزش‌ها و عقاید - در طول زمان، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد. تمدن نیز به‌عنوان تبلور کالبدی فرهنگ و متناسب با سنن آن شکل می‌گیرد. در بالاترین لایه نیز سیاست است که اصول اساسی آن یا توسط دین از دل اجتماع یا طبیعت تعیین شود (Bagheri & Sang sefidi, 2011: 58).

وجود آشفتنگی در معماری معاصر ایران

وقتی به معماری موجود در شهرهای گوناگون کشور نظر می‌کنیم، بیشتر آن‌ها را در آشفتنگی و شبیه به هم می‌بینیم. برخ بر این نظرند که فقدان دانش، نداشتن اعتقاد حرفه‌ای، عدم توجه به اصالت‌ها و شناخت ناکافی از فرهنگ، نادیده گرفتن حرمت و اصالت ریشه‌های ارجمند سرزمین و بسیاری مسائل دیگر از این دست، درکنار یکدیگر این بحران و نابسامانی را موجب گردیده‌اند (دبیا، ۱۳۸۱: ۴). گروهی از صاحب‌نظران، وضعیت موجود معماری کشور را نشان‌دهنده تشنیت فرهنگی جامعه می‌دانند، ایشان عدم تشابه ساختمان‌ها با یکدیگر را، نشان‌دهنده گسیختگی و عدم انسجام فرهنگی می‌پندارند. در گذشته اگر معمار کاری می‌کرد، مشتری همان را می‌خواست و چیزی که مشتری می‌خواست، معمار می‌فهمید و می‌آفریند. خانه‌ها درکنار هم ساخته می‌شدند و همدیگر را از بین نمی‌بردند بلکه مکمل هم بودند و یک بافت همگن به وجود می‌آوردند. اما امروز، امری که ما به‌عنوان معماری شهری یا منفرد زمان حال، پیوسته از آن انتقاد می‌کنیم و گروهی بر این باورند که متعلق به این مرزوبوم نیست، نتیجه ذاتی سلیقه جمعی مردم زمان ماست که سازنده جریان حرکتی معماری امروز شده است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۵۴). در معماری معاصر، متفاوت بودن حرف اول را می‌زند (حجت، ۱۳۸۵). و ملاک تأیید و تشویق معمار، خلق اثری متفاوت است. بدیهی است که مشعوف شدن از «ناهماهنگی»، و اصالت دادن به تفاوت با داشتن هویت پایدار در تضاد قرار می‌گیرد و بی‌نظمی و آشوب را به‌ارمغان می‌آورد. بی‌نظمی و آشوبی که به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران، عرصه شهرهای معاصر را آکنده، حاکی از درهم‌ریختن

بسیاری از مفاهیمی است که براساس انگاره‌های مبتنی بر دستگاه‌های ارزشی خاص «نظم»، تلقی می‌شده و طبعاً ممکن است از دیدگاه دیگران بی‌نظمی نباشد و خود حاکی از نظم دیگری باشد. گونه‌گونی شکل بناها و هزارچهره بودن شهر، به‌روزشمار تحولات معماری بدل شده است. برخی صاحب‌نظران با اشاره به وضعیت حال حاضر معماری ایران، آن را مبتلا به بیماری‌هایی پیچیده می‌دانند. بیماری‌ای عمومی که می‌بایست ریشه آن را در عرصه فرهنگ، جست‌وجو و شناسایی کرد. ایشان مهم‌ترین بیماری جامعه ایرانی را، نسیان دانایی فرهنگ زیست در سرزمین ایران و تشخیص نادرست نسبت خود با محیط اطراف در مقیاس‌های گوناگون و از جنبه‌های مختلف برمی‌شمرند (معظمی و حجت، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

شناخت عرصه پژوهش

منطقه ۱ شهر تهران: وقتی اسم منطقه ۱ تهران جایی دیده می‌شود، اولین کلمه‌ای که به ذهن خطور می‌کند بالاشهر تهران است. چراکه این محله متشکل از محله‌هایی می‌باشد که از امکانات رفاهی بالا برخوردارند و حتی قیمت آپارتمان‌های این منطقه بسیار بالا است. این منطقه در سال ۹۵ طبق آخرین آمار ۴۸۷,۵۰۸ نفر جمعیت دارد که از این جمعیت ۴۸٪ مرد و ۵۲٪ زن تشکیل می‌دهد و به‌طور متوسط هر خانوار ۳,۵ نفر جمعیت دارد. بافت این قسمت شهر به‌علت وجود ساختمان‌های بلند اکثراً نوساز می‌باشد. البته محله‌های کوچک که بافت سنتی و قدیمی و اصیل خود را در این منطقه حفظ کرده‌اند هم به چشم می‌خورد. مساحت این منطقه حدود ۱۰۱ کیلومتر مربع می‌باشد و داری ۱۰ ناحیه و ۲۷ محله است. منطقه ۱ یکی از مناطق سیاسی ایران است؛ چراکه سفارت‌خانه‌های متعدد و زیادی در آن وجود دارد. همچنین منطقه ۱ در شمال تهران واقع شده و معمولاً آب‌وهوای خنک و سردی را نسبت به دیگر نقاط تهران دارد که این دما از هوا را مدیون رشته کوه‌های البرز می‌باشد.

منطقه ۲ شهر تهران: منطقه ۲ شهرداری تهران در شمال شرقی میدان آزادی قرار دارد و از غرب تا شمال غرب تهران ادامه می‌یابد. این منطقه از جنوب به خیابان آزادی، از غرب به بزرگراه آیت‌الله‌اشرفی اصفهانی و بزرگراه محمدعلی جناح و از شرق به بزرگراه شهید چمران محدود است. این منطقه، شامل محله‌های آریاشهر صادقیه، شهرآرا، گیشا، شهرک ژاندارمری، شهرک غرب، سعادت‌آباد، فرحزاد، طرشت و غیره، است.

منطقه ۲ بین ۳۵ درجه، ۳۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه تا ۳۵ درجه، ۴۳ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض شمالی و ۵۱ درجه، ۲۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه تا ۵۱ درجه، ۲۲ دقیقه و ۴۰ ثانیه طول شرقی و در شمال غربی تهران قرار گرفته است. منطقه ۳ شهر تهران: منطقه ۳ در شمال شرقی تهران قرار دارد و از جنوب به اتوبان همت و بزرگراه رسالت از غرب به اتوبان چمران از شرق به پاسداران و از شمال به بزرگراه مدرس و صدر منتهی می‌شود. مساحت این منطقه از تهران ۳۰۰۰ کیلومترمربع می‌باشد و دارای ۱۲ محله است. منطقه ۳ تهران بیش از ۳۳۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد که این تعداد جمعیت باعث تشکیل ۱۱۹،۰۰۰ خانوار می‌شود که از این تعداد ۱۵۸،۰۰۰ نفر مرد و ۱۷۲،۰۰۰ نفر زن هستند ۸۹٪ مردم این منطقه باسواد می‌باشند. ۳۳٪ از مردم این منطقه اجاره نشین و ۵۷٪ درصد مالک هستند که این آمار ۲،۵ برابر متوسط مالکیت خانه‌ها در یک محله در تهران است.

یافته‌های پژوهش

باتوجه به آزمون‌های انجام‌گرفته پیرو پرسشنامه‌های طراحی شده و مصاحبه‌های صورت‌گرفته از صاحب‌نظران و مردمان منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران مشخص گردید که از آنجایی که اصلی‌ترین اصول معماری ایرانی و یکی از مهمترین الگوهای معماری ایرانی توجه به اصل محرمیت بود، باگذشت سال‌ها و حرکت پرشتاب تهران به سمت مدرنیته، متأسفانه این اصل به‌طورکلی کنار گذاشته شد و ساختمان‌های امروزی در شهر تهران و بالاخص در مناطق ۱ تا ۳ این شهر، دارای درصد بالایی از شیشه و سطوح بازشو هستند که این امر متأسفانه علاوه‌بر ساختمان‌های مسکونی، در ساختمان‌های مسکونی این مناطق نیز دنبال گشته است. از این‌رو مطابق با نظر پاسخ‌دهندگان (مخاطبان و ساکنان این مناطق)، میزان سطوح بازشو از طریق شیشه‌های ساختمان‌های مسکونی روبه خیابان را مناسب دانسته‌اند، شاید این بدان دلیل است که همین ساکنان و مخاطبان نیز زندگی مدرنیته را ترجیح می‌دهند و گاه تصور می‌کنند که از آن عقب مانده‌اند. لازم به‌ذکر است که در این منطقه خط آسمان از طریق ساختمان‌های موجود همراه با نورپردازی و روشنایی این منطقه از نگاه پاسخ‌دهندگان به پژوهش حاضر در وضعیت مطلوبی قرار دارد. ضمن آنکه به‌لحاظ مبلمان شهری و فضای سبز، پاسخ‌دهندگان خواستار افزودن به فضاهای سبز منطقه و پیرو آن تعویض مبلمان شهری

بودند. چراکه این پاسخ‌دهندگان معتقدند مبلمان شهری کنونی ازجمله: سطل‌های زباله و صندلی‌ها، به‌لحاظ زیبایی‌شناسی با ساختمان‌های این منطقه هماهنگی ندارد. همچنین باتوجه به آمار پرسشنامه‌ها مشخص گردید که از نگاه مخاطبان و ساکنان این منطقه جنس مصالح به‌کاررفته در نمای ساختمان‌ها که اغلب سنگ است و همچنین سنگ‌کاری‌های لبه فضاهای سبز و مصالح کف پیاده‌روها دارای مطلوبیت ۸۵٪ می‌باشد. باتوجه به آنکه رنگ غالب ساختمان‌های این منطقه کرم است و فرم‌های شاخص ساختمان‌های مسکونی واقع در این منطقه، ترکیبی از مستطیل و فرم‌های منحنی شکل با ابعاد مختلف و با ارتفاع‌های گوناگون همراه با نمادهایی از سازه‌گرایی می‌باشند، ساکنان این نوع ترکیب‌بندی و رنگ را به‌لحاظ زیبایی‌شناسی بصری و جذابیت و خلاقیت و به‌طورکلی ایجاد فضایی مطلوب، بسیار ستوده‌اند. به‌لحاظ تناسبات ساختمان‌های این منطقه نسبت ارتفاع به کشیدگی بیشتر است و این ارتفاع‌گرایی دلیل اصلی مسائل اقتصادی، سیاسی و ورود مدرنیته و تکنولوژی که مسبب بلندمرتبه‌سازی در کشور گشته است؛ می‌باشند. ضمناً لازم به‌ذکر است که مطابق با نظر پاسخ‌دهندگان (مخاطبان و ساکنان این مناطق)، میزان سطوح بازشو از طریق شیشه‌های ساختمان‌های مسکونی روبه خیابان را مناسب دانسته‌اند و خط آسمان از طریق ساختمان‌های موجود همراه با نورپردازی و روشنایی این منطقه از نگاه پاسخ‌دهندگان به پژوهش حاضر در وضعیت مطلوبی قرار دارد. ضمن آنکه باتوجه به مصاحبه‌های انجام شده از صاحب‌نظران می‌بایست بیان نمود که از عوامل اصلی تبدیل شدن ساختمان‌های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران، عدم توجه به مسئله فرهنگ است. چراکه در معماری مانند سایر هنرها می‌توان تأثیر برخی از پدیده‌ها و جلوه‌های عمیق فرهنگ ملی و دینی را به‌شکل الگو و صورت‌هایی پایدار مشاهده کرد (دبده، رضوان‌پناه، ۱۴۰۰: ۶). پابندی معماران به‌جوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که طراح به‌منزله پرورش‌دهنده موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط باتوجه کامل به‌وجه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است (دبده، صدیق، رضوان‌پناه، ۱۴۰۱: ۱۱۲). برخی از این طرح‌ها و الگوها در معماری ایرانی مثل چهارصفه و چهارباغ که از عوامل و پدیده‌های اصلی فرهنگ و تمدن یک قوم یا ملت هستند بسیاری طولانی و پایدار است؛ البته پایداری آن‌ها به‌معنای فقدان پویایی آن‌ها نیست..

داشتند. بنابراین مطالب به‌طور کلی می‌توان اذعان نمود که "انقلاب، حرکت به‌سمت جهانی شدن و بهبود اقتصاد"، از اصلی‌ترین عوامل سیاسی در معماری نوع ساختمان‌های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران بوده است که آن‌ها را به ساختمان‌های نمایشی بدل نموده است؛ چراکه تنها از طریق سیمای این ساختمان‌ها دولت‌مردان می‌توانند به سرمایه‌های بزرگی دست پیدا کنند و به‌نوعی ساختمان‌های این مناطق را به‌دلیل تجارت بصری به این سمت سوق داده‌اند.

معماری معاصر ایران به فراخور شرایط (زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و غیره)، تأثیرات گوناگونی را پذیرفته است. بر اثر حجم مدرنیزاسیون که رهاورد دوران مدرن به‌شمار می‌آید، معماری و شهرسازی سنتی ایران در معرض تغییراتی قرار گرفت که آمادگی روبرویی با آن را نداشت. یکی از تغییرات بلندمرتبه‌سازی بود که در سال‌های پس از انقلاب در شهر تهران آغاز و تاکنون اداه پیدا کرده است. شاید یکی از مهمترین دلیل این نوع از بلندمرتبه‌سازی بحث تراکم جمعیتی باشد که در شهر تهران نمود پیدا کرده است و همه‌ساله بر تعداد آن افزوده می‌شود. ضمناً می‌بایست بیان نمود که هرچه از سال ۱۳۵۷ به سال ۱۳۹۷ پیش‌رفته‌ایم، شاهد ساخت ساختمان‌هایی بوده‌ایم که به بحث فرهنگ، هویت و اجتماعی بی‌توجه بوده‌اند و تنها به بحث اقتصادی و جهانی شدن توجه نموده‌اند. نمونه بارز این نوع از تغییرات و دگرگونی‌ها را در ساختمان‌های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران مشاهده می‌کنیم.

به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی علاوه‌بر تأثیرات اقتصادی می‌تواند باعث بروز بسیاری از تأثیرات اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود. ازجمله اصلی‌ترین تأثیرات به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی در ایران تشدید تورم بوده است که این عامل توانسته با ایجاد نابرابری‌های درآمدی و شکاف اجتماعی، زمینه‌های بروز انواع جرایم و به‌خصوص جرایم اقتصادی را فراهم سازد. حال از آنجایی که نگاهی بر سیاست‌های اقتصادی دولت در ایران و نیز توجه به شرایط ویژه اقتصاد ایران ازجمله نقش غالب دولت در اعمال این سیاست‌ها، تک محصولی بودن اقتصاد داخلی و کسری بودجه دولت و امثال آن‌ها جملگی عواملی است که توانسته است به تورم‌زایی سیاست‌های اقتصادی منجر شود. ازسویی این مسئله می‌تواند از طریق نابرابری‌های درآمدی و شکاف‌های اجتماعی بر سطح زندگی افراد و درنهایت بر هنجارهای

متأسفانه در ساختمان‌های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران طی سال‌های (۱۳۹۷-۱۳۵۷)، بنابر جایگزینی فرهنگ زمینی و مادی امروز بر فرهنگ آیینی و ماورایی گذشته، چارچوب‌های فرهنگ معماری گذشته و بومی ایران فرو ریخت. چراکه معماری ظرف زندگی است و زندگی یعنی شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها که از فرهنگ جامعه برخاسته است. در معماری و طراحی ساختمان‌های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران طی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۹۷)، بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی کم‌رنگ شده است و متأسفانه عناصری در شکل فضایی این ساختمان‌ها حاکم شده‌اند که هم‌سوی با معماری ایران و اسلامی که در گذشته رایج بوده، ندارد ضمناً می‌بایست خاطر نشان کرد که جهانی شدن و حرکت به‌سمت مدرنیته در این روند نیز تأثیر شگرفی داشته است. به‌گونه‌ای که ساختمان‌ها در این مناطق اغلب به‌صورت نمایشی بر پا شده‌اند؛ بی‌آنکه نشانی از فرهنگ یک جامعه باشند.

عوامل سیاسی که به‌طورکلی دربرگیرنده عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز می‌باشند، طی سال‌های بعد از انقلاب (۱۳۹۷-۱۳۵۷) به‌طور چشمگیری بر روند ساخت‌وساز در شهر تهران و دیگر کلان‌شهرهای ایران تأثیر گذاشتند. به‌گونه‌ای که مهمترین عامل سیاسی که بیانگر تأثیر مشکلات حاکم‌بر جامعه معماری به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کل جامعه، مسأله اقتصاد بود که این دوران با مشکل مواجه شده بود. از این‌رو دولت مردان و دستگاه‌های دولتی و برنامه‌ریزان به‌دنبال ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه بودند تا علاوه‌بر حرکت به‌سمت جهانی شدن، اقتصاد را نیز بهبود بخشند. همچنین لازم به‌ذکر است که با وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، معماری معاصر ایران به نقطه عطفی در حرکت تاریخی خود رسید. در این مقطع از تاریخ کشور، خواست هویت طلبانه مردم ایران با مطالبات حق خواهانه‌ای نظیر استقلال ملی، آزادی و حاکمیت برسرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، همراه شد. فروپاشی دستگاه حاکمه و تغییرات ناشی از انقلاب به توقف ساخت و سازهای کلان و طرح‌های تهیه شده انجامید و به بیکاری معماران و مهاجرت برخی از آنان به خارج از کشور منجر شد. این امر باعث گردید تا تجارب کسب شده قبلی، بدون امکان تداوم بعدی، از بلوغ و بالندگی باز مانند که این موضوع در پایان این دوره و با شروع دوره سازندگی به‌صورت معضلی جدی قابل‌مشاهده می‌باشد. در این زمان بخشی از سازمان حرفه‌ای معماری، نهادهای دولتی بودند که برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت این فعالیت‌ها را برعهده

جامعه اثرگذار باشد. از این‌رو جملگی این عوامل از علت‌های رشد ساخت‌وساز و افزایش اقتصاد و ارزش مسکن و زمین در منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران هستند. لذا طی سال‌های (۱۳۹۷-۱۳۵۷)، هیچ‌کدام از این عوامل نتوانسته‌اند به بهبود این روند و کاهش نرخ و ارزش مسکن کمک نمایند. لازم به‌ذکر است که نقش سیاست و اقتصاد از اصلی‌ترین عوامل بدل شدن مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران به ساختمان‌های نمایی هستند.

تأثیر عوامل فرهنگی

باید توجه کرد که جریان تحولات معماری ایران، در آغاز قرن معاصر، به عنوان تابعی از سایر صور فرهنگی، راه تغییر و تحول و جهانی شدن را در پیش گرفت و خود به تنهایی عامل ایجاد این‌گونه تحولات نبود. نباید از نظر دور داشت که جریان معماری مدرن در ایران، در پاسخ به نیاز جامعه ایرانی، به توسعه شهرنشینی که خود حاصل غلبه اقتصاد صنعتی بر اقتصاد کشاورزی بود، شکل گرفت و از این وجه این جریان از معماری، با صنعتی شدن جامعه ایرانی و به‌دنبال آن با جهانی شدن رویکردهای فرهنگی در ایران همزاد بود. تحولات قرن حاضر موجب دگرگونی و تغییراتی در بین برخی جلوه‌های زندگی و فرهنگ جامعه شده است. به‌گونه‌ای که حرکت و روند معماری سنتی باز ایستاد و از طرفی به‌علت سرعت وقوع تحولات، جامعه و فضای معمارگونه آن فرصت تطابق با فرهنگ را پیدا نکرد. فضای معماری بی‌شناخت فرهنگ سازنده آن فهم نمی‌شود و هرآنچه از این فرهنگ برمی‌خیزد، پس از گذر داده شدن از تدبیرها و شگردها، فن‌ها و ابداع‌ها، پدیده‌ای است که سخنی جزء از راه شکل خود، نمی‌گوید. از این‌رو پدیده‌های معماری نه‌تنها در متن و زمینه‌های فرهنگی خودشان، بلکه به زمینه‌های تاریخی نیز تعمیم پیدا می‌کنند، براین‌اساس اشکال معماری در هر دوره، سبک مربوط به آن زمان را به‌وجود می‌آورند و فرم‌ها برخاسته از مفاهیم محتوایی آن دوره می‌باشند. مهمترین واقعه‌ای که در روند اجتماعی زندگی ایران در طول قرن بیستم اتفاق افتاده است، تغییر شیوه زیستی مردم کشور برای تبدیل شدن آن از روستائینی و کوچ‌نشینانی - که اکثریت مطلق جمعیت در ابتدای قرن بیستم در آن وضعیت قرار داشتند - به شهرنشینی بالای ۷۰٪ در حال حاضر و رشد این نرخ به‌صورت شتاب‌زده در سال‌های آینده پیش‌بینی شده است. حال در این راستا در مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران ساختمان‌های امروزی از دیدگاهی مدرن‌گرا ساخته

شده‌اند و این ساختمان‌ها چه در محیط داخلی و چه به‌لحاظ سیمای شهری، فرهنگ خود را به فراموشی سپرده‌اند. گویی مناطق کنونی شامل انواع خرده فرهنگ‌های مختلفی از قبیل فرهنگ‌های جوانان، فرهنگ‌های قومی و یا فرهنگ‌های افراد معلوم می‌باشند. لیکن این ساختمان‌ها در این مناطق از شهر تهران از ابتدای پیدایش کاری کرده‌اند که جامعه آن‌ها را بپذیرد. به‌گونه‌ای که اعضای مرتبط با این مناطق از قبیل شهرداری، معماران، طراحان و مهندسان تصمیم گرفته‌اند تا ساختمان‌هایی را بنا کنند که موجودیت خویش را احراز کنند و خواستار آن شده‌اند که فرهنگ این ساختمان‌ها دست نخورده و محفوظ بماند و به‌همین گونه‌ای که موجودیت دارد، در جامعه پذیرفته شوند و با آن ادغام گردند. جهت‌گیری فرهنگ‌ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل‌دهی به فضای زیست و پیدایش معماری منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران مؤثر است. چراکه این مناطق به‌عنوان یک منطقه اصلی در شهر تهران مطرح هستند. لیکن متأسفانه این‌گونه نگاه به فرهنگ همواره در پشت اثر باقی مانده است. بنابراین معماری این مناطق را قبل از اینکه یک تخصص فنی بدانیم یا از نظر هنری به آن بنگریم، باید به جنبه فرهنگی آن توجه کنیم. زیرا فضای شهری و بالخصوص مناطق شهری بر مبنای مفاهیم فرهنگی در هر جامعه در عرصه زمان به رشد تعالی می‌رسند و در بعد مکان تجلی می‌یابند. از این‌رو مناطق شهری به‌عنوان یک سیستم ارتباطی با زبان و فرهنگ در ارتباط می‌باشند و برای دریافت پیام موجود در آن‌ها، باید زمینه فرهنگی‌ای که ساختمان‌های این مناطق در مسیر آن به‌وجود آمده‌اند، مورد شناخت و مطالعه قرار گیرد. بنابراین خصوصیات فرهنگی مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران را می‌توان در معماری بناهای آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره به‌وجود آید، مثل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره، به‌محض به‌وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به‌خود گیرد. وقتی اثرات به‌وجود آورنده یک اثر معماری از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل به‌وجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند، معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان برمی‌دارند. در این راستا لازم به‌ذکر است که تحولات قرن حاضر موجب دگرگونی و تغییراتی

در بین برخی جلوه‌های زندگی و فرهنگ جامعه شده است که این تحولات حرکت و روند معماری سنتی را در مناطق اصلی شهر تهران (منطقه ۱ تا ۳)، متوقف نمود و از طرفی به علت سرعت وقوع تحولات فرصت تطابق با فرهنگ را پیدا نکرد. لذا ساختمان‌های این مناطق به‌عنوان جزئی از فرهنگ معماری شهر تهران وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود دارند که نمودی است برای سنجش فرهنگ این شهر و این مناطق. فرهنگی که ضمن اثرگذاری بر تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شود. لازم به ذکر است که در این مناطق، فرهنگ از طریق معماری که نمودار سیستم ارزشی حاکم است؛ تجلی یافته است و سبب گشته تا معماری این مناطق در شهر تهران فرمی مختص به خود گیرند. ضمناً می‌بایست خاطر نشان کرد که فرهنگ به گونه‌ای غیرمستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگانی روانی انسان گشته است که باز هم از طریق عوامل معمارانه در این مناطق (منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران)، تجلی یافته و توانسته است تا حدودی زندگی روانی ساکنان را آرام نماید؛ چراکه ساکنان این مناطق از شهر تهران تقریباً قشری مرفه هستند و به دنبال مدرنیته می‌باشند. از این رو فرهنگ و نقش آن در جامعه را کم‌ارزش می‌دانند و تمایل بیشتری به گرویدن به مدرنیته دارند. بنابر مطالب فوق می‌توان بیان نمود که نقش فرهنگ که اصلی‌ترین عنصر شاخص یک ملت است و از طریق معماری در هر شهری نمود پیدا می‌کند، در این مناطق خدشه‌دار گشته است.

حرکت فرهنگ ایران به سوی حرکت فرهنگ جهانی طی سال‌های (۱۳۹۷-۱۳۵۷)، خواه و یا ناخواه کشش به سمت معماری جهانی را به دنبال می‌آورد، زیرا معماری ظرف فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تحت تأثیر این عوامل به صورت پرشتاب دگرگون گشته است و گرایش‌های هر جامعه حرکت تولیدات و محصولات را به سوی آن می‌کشاند و در نهایت می‌تواند موجب جدایی فضا از مکان و در نتیجه گسست رشته‌های پیونددهنده فرهنگ و معماری گردد.

تأثیر عوامل سیاسی

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تحولات گسترده سیاسی-اجتماعی ناشی از آن، گسستی میان روند معماری با فرهنگ و هویت ایران آغاز شد. در واقع ظهور دیدگاه‌های جدیدی که از آرمان‌های فرهنگ ملی

و دینی نشأت گرفته بودند، از نخستین عواملی بودند که معماری شهر تهران را تحت تأثیر قرار دادند و آن را متحول کردند. حال از میان عوامل سیاسی حاکم بر جامعه طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷، اصلی‌ترین تحولات سیاسی بر معماری شهرها با توجه به تحولات قوانین و مقررات (قوانین شهرداری‌ها و ضابطه‌ها، قوانین توسعه واحداث، قوانین مرتبط با نماهای شهری، بهسازی فضای سبز)، و تحول در عرضه اجرایی انجام گرفت. از این رو شهر تهران تحت تأثیر عوامل سیاسی حاکم بر جامعه زیر فشار آثار جنگ تحمیلی با گرایش‌های نوینی در جهات و اشکال معماری شهر به بن‌بست رسید و ناگزیر به توسعه ناپیوسته شتاب گرفت. در نتیجه در غیاب یک طرح جامع کارا و مؤثر، با اتخاذ عوامل سیاسی موج بلندمرتبه‌سازی و برج‌سازی به پدیده‌ای فراگیر در مناطق شهری شهر تهران بدل گشت. به طوری که در طول مدت یک‌دهه اولاً نمای ساختمان‌های عمومی تغییرات اساسی پیدا نمود و از سوی دیگر عوارض ناشی از توسعه بی‌برنامه و بی‌رویه عمومی در تهران به صورت مشکلات زیست‌محیطی، تشدید نابرابری اجتماعی و تشدید نابسامانی در اقتصاد زمین و مسکن، به مسائل پیشین اضافه شد. ضمن آنکه از اوایل ۱۳۸۰ موضوع تراکم و بلندمرتبه‌سازی که از اصلی‌ترین تأثیرات عوامل سیاسی حاکم بر جامعه بود در شهر تهران اعمال گشت و بیش از پیش معماری ساختمان‌های شهری را بالاخص در مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران از اصول و الگوهای گذشته خود دور نمود. مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران که دارای ساختمان‌هایی بلندمرتبه با سبکی تقریباً مدرن هستند نیز از این روند تأثیر عوامل سیاسی بر کشور بی‌تأثیر نماندند و تقریباً سبک معماری ساختمان‌های این منطقه تداومی از پایان سبک بین‌الملل غرب و نئوکلاسیک است. لذا می‌توان بیان نمود که عوامل سیاسی حاکم بر کشور ایران که جملگی عوامل اقتصادی، فرهنگی، هویتی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ بر شکل‌گیری معماری ساختمان‌های شهری مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران از سال ۱۳۵۷ تا به امروز تأثیرگذار بوده است، چراکه توسط همین عوامل سیاسی حاکم بر جامعه، معماری در فضاهای شهری شکل می‌گیرد و تنها به جنبه اقتصادی آن نگریسته می‌شود و دیگر عوامل فرهنگی، هویتی و حتی اجرایی نادیده گماشته می‌شوند.

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی

بحران اجتماعی را می‌توان اختلالاتی که تعادل عمومی، عملکرد به‌هنگار و معمول حیات اجتماعی را به‌مخاطره می‌اندازند، دانست. بحران اجتماعی عمومی ناشی از عدم‌توانایی جامعه در حفظ و استقرار نظم است و از طرف دیگر نیروهای درونی توان حل مسائل اجتماعی را ندارند. از این‌رو ساختار جامعه، بحران‌زده خواهد بود و با کوچکترین بی‌نظمی، حیات جامعه به‌مخاطره می‌افتد. لذا از آنجایی که معماری وجوه‌گوناگونی دارد، آنچه معماری امروز ما را دستخوش بحران - یا به‌تعبیری بی‌هویتی - نموده وجه فرهنگی آن است که از ساختار اجتماعی نشأت گرفته است. معماری ما حیثیت تاریخی - فرهنگی خود را وا گذاشته و درحالی‌که چیزی را جایگزین آن ننموده است، در گردابی از گرایش‌های جهانی و سلیقه‌های شخصی و رقابت‌های بازاری، گرفتار آمده است. عمده محصولات معماری امروز، بدون مبانی و تکیه‌گاهی خاص، عمدتاً به تقلید از بیگانه و یا به پاسخ‌گویی به علایق و سلیقه‌های تربیت‌یافته قشرهای مختلف استفاده‌کننده، اکتفا نموده‌اند. مناطق مسکونی ۱ تا ۳ شهر تهران دارای نشانه‌های معناداری هستند که ریشه در اجتماع دارند. این مکان‌ها به‌عنوان برترین مناطق شهر تهران محسوب شده‌اند که به‌دلیل نوع معماری مدرن، کاربری‌های متفاوت و ساختمان‌های تفریحی و مسکونی هم‌روزه سبب تعاملات اجتماعی، افزایش حس‌تعلق، حس‌خاطره‌انگیزی و ارتقاء هویت به‌عنوان فضاهای سرزنده و پویا می‌شوند. در این راستا مناطق مسکونی ۱ تا ۳ شهر تهران در حال حاضر علاوه‌بر داشتن جایگاهی مناسب به‌جهت ویژگی‌های خاص معماری، در حکم فضای شهری پویا به حیات خود ادامه داده است و به‌جهت ارتباط با عوامل اجتماعی حاکم‌بر جامعه، حضور در زندگی اجتماعی مخاطبان‌ش و حافظه فرهنگی و دارا بودن کارکردی زیبایی‌شناختی به‌واسطه معماری شاخص، به‌عنوان عنصر شهری واجداهمیت مطرح شده است. همچنین در مناطق مسکونی ۱ تا ۳ شهر تهران، علاوه‌بر معماری ارزشمند بناهای این مناطق؛ به‌جهت خلق تجربه حسی غنی، آنچه پویایی و حیات کنونی آن را رقم می‌زند، هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به‌تبع آن دلالت‌های اجتماعی است که جنبه‌های خاص این مناطق را در دلالت‌های ذهنی و مفهومی جست‌وجو می‌کند. ضمناً می‌بایست خاطر نشان نمود که خوانش اجتماعی مناطق مسکونی ۱ تا ۳ شهر تهران، در گرو توجه و اهمیت به‌آن‌دسته از خصوصیات

کالبدی، عملکردی و معنایی معماری این مناطق است که توسط ذهنیت و تجربه مخاطبان با ادراک آنان و مؤلفه‌های اجتماعی پیوند یافته است. مؤلفه‌هایی که این مناطق را به‌عنوان «فضای تجربی، ادراکی، اجتماعی و عمومی، غنی و مرتبط با واکنش و احساس مخاطبان، دارای احساسی از تعلق و وابستگی شهروندان و آشنا و ماندگار در ذهن آنان و نیز در هماهنگی با زمینه و مجهز به رویدادها و فعالیت‌های معنادار»، معرفی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم پیشرفت‌های علمی کشور، هنوز عوامل زیادی هستند که شکل‌گیری معماری ایران را بالاخص در شهر تهران تهدید می‌کنند. در این میان عوامل سیاسی، اقتصادی، جهانی شدن، فرهنگ و عوامل اجتماعی همراه با محیط معماری که توسط خود انسان ساخته شده است، می‌توانند یکی از همان عوامل تهدیدکننده معماری معاصر شهر تهران باشند. هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در معماری ایران زمین باید با توجه به تأثیرات بلندمدت بر انسان، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و هویت شهری و پیش‌بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد. لذا برخورداری از برنامه‌ریزی و سیاست‌های نوین که در آن به ارزش‌های کالبدی، فرهنگی-هویتی و محیطی نیز توجه شده باشد، نیز ضروری است. فضای شهر در شهرهای بزرگ اثر مثبت و مستقیمی بر همبستگی اجتماعی و تولید خاطرات در محیط اجتماعی دارد. فضاهای فرهنگی، تراکم فرهنگی و خلاصه هرچه جمعیت را بهم پیوند می‌دهد، در این مقوله دارای اهمیت است. سیاست ایجاد مراکز شهری، با ارائه امکانات و خدمات و امکان استفاده همگان از آن‌ها، باعث بهبود روابط اجتماعی می‌گردد. لذا پرداختن به ساختمان‌های شهری به‌عنوان مکان ظهور حوادث اجتماعی، برخورد نزدی و گرم ساکنان برای انباشت خاطرات جمعی در شهرهای بزرگ، از نکته‌های اساسی است که قطعاً در تقویت هویت، حس‌تعلق به مکان و همبستگی‌های اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. لیکن متأسفانه امروزه فضاها و ساختمان‌های شهری در ایران به‌لحاظ نوع معماری به‌کار رفته در خود خلاف این روند را طی نموده‌اند و به بناهای نمایشی بدل گشته‌اند؛ بی‌آنکه هویت و فرهنگ خود را نمایش دهند. از این‌رو جامعه را به جامعه نمایشی و مصرف‌گرا بدل نموده‌اند. در شهر تهران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ ساختمان‌هایی برپا شده است که کلاً جنبه‌های فرهنگی

شهر تهران طی سال های ۱۳۹۷-۱۳۵۷ بنا بر جایگزینی فرهنگ زمینی و مادی امروز بر فرهنگ آیینی و ماورایی گذشته، چارچوب های فرهنگ معماری گذشته و بومی ایران فرو ریخت، چراکه معماری ظرف زندگی است و زندگی یعنی شیوه زیست و ارتباط انسان ها که از فرهنگ جامعه بر خاسته است.

معماری و طراحی: ساختمان های مسکونی مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران طی سال های ۱۳۹۷-۱۳۵۷ بهره گیری از آموزه های اسلامی کمرنگ شده است و متأسفانه عناصری در شکل فضایی این ساختمان ها حاکم شده اند که هم سوی با معماری ایرانی و اسلامی که در گذشته رایج بوده، نیستند. از این رو استفاده از مؤلفه های معماری ایرانی اسلامی در این بناها می تواند گسست و سردرگمی معماری معاصر ایران را کاهش دهد.

به کارگیری سیاست های اقتصادی: علاوه بر تأثیرات اقتصادی در کشور، می تواند باعث بروز بسیاری از تأثیرات اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود. این مهم اصلی است که اگر در معماری ساختمان های مسکونی مد نظر قرار گیرد، گسست و سردرگمی معماری معاصر ایران را کم می کند.

برنامه ریزی دولتمردان و سیاست گذاران: امر مسکن در رابطه با نوع استفاده از عوامل فرهنگی، اجتماعی معماری ایران در طرح ساختمان های مسکونی دوره معاصر در منطقه ۱ تا ۳ شهر تهران.

منابع و مآخذ

آشوری، داریوش. ۱۳۸۸، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران: انتشارات آگاه.

بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸، معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته، چاپ دوم، تهران: انتشارات هنر معماری قرن.

بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۹، معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته، چاپ سوم، تهران: انتشارات هنر معماری قرن.

باور، سیروس. ۱۳۸۹، نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران، تهران: انتشارات نشر فضا.

بودریار، ژان. ۱۳۸۹، جامعه مصرفی، اسطوره ها و ساختارها، ترجمه پرویز ایزدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات ثالث.

بوردیو، پیتیر. ۱۳۹۵، تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت های ذوقی، ترجمه چاوشیان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ثالث.

و هویتی ایران را نادیده گرفته و به سمت نوگرایی رفته است. از این رو اصلی ترین عامل در این روند عامل حرکت پرشتاب ایران به سمت مدرنیته و عوامل سیاسی رخ داده پس از انقلاب در کشور بود. حال باتوجه به آنکه معماری نمود فرهنگ هر جامعه ای است و بخش اعظم معماری هر کشور شامل بناهای مسکونی است، لذا معماری مسکونی که مردم نقش تعیین کننده ای در آن دارند، بخش مهمی از نمادهای فرهنگی جامعه است. حال باتوجه به بررسی های صورت گرفته در مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران و بررسی ساختمان های این مناطق طی سال های (۱۳۹۷-۱۳۵۷)، می بایست بیان نمود که عوامل سیاسی و فرهنگی بعد از انقلاب به شدت بر روند شکل گیری ساختمان های این مناطق تأثیر گذاشته اند و سال به سال چهره این بناها از فرهنگ و هویت بومی خود فاصله بیشتری می گیرد و به سمت غرب و نوگرایی می رود. در این راستا مسئله جهانی شدن نیز بی تأثیر نبوده است.

در ایران و پس از انقلاب گرایش ویژه ای به فرهنگ پست مدرن شکل گرفت که نتیجه مستقیم جهانی شدن است. فرهنگ پست مدرن در ضمیمه با روایت های کلان است و هویت را از شکل کلان به هویت های نسبی، خرد، بومی و منطقه ای تبدیل می کند که در دنیای معاصر فرهنگ جهانی به صورت اختلاط فرهنگی شکل می گیرد. بنابراین فرهنگ های جهانی غیر غربی که هنوز دچار کمبود آفرینش نظری هستند با حرکت در فضای بینابین، معضل های وجودی تفکر غربی را به نمایش می گذارند، که این روند به خوبی در بناهای این مناطق به چشم می خورد. لیکن می بایست خاطر نشان نمود که این نوع از حرکت به سمت جهانی شدن سبب ایجاد دوگانگی فرهنگی در شهر تهران و حتی در این مناطق گشته است. عامل دیگر تأثیر گذار بر این روند نمایشی شدن ساختمان های مناطق ۱ تا ۳ شهر تهران، عامل اقتصادی و اجتماعی است که به سبب نگاه مالک، معمار و خریدار و حتی دولت مردان و سیاست گذاران و برنامه ریزان شکل گرفته است.

پیشنهاد کاربردی

پایبندی معماران به جوهر فرهنگی: طراح به منزله پرورش دهنده موجب تقویت پیوندهای مردمی می شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط باتوجه کامل به وجه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است. متأسفانه در ساختمان های مسکونی مناطق ۱ تا ۳

کوریگان. پیتز. ۱۳۹۷، درآمدی بر جامعه‌شناسی مصرف، ترجمه شایسته مدنی‌لواسانی، چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ادبیات.

کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳، معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

معظمی، منوچهر. حجت، عیسی. ۱۳۹۳، ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۲۱، ۱۱۲-۱۰۳.

نقره‌کار، عبدالحمید. رئیس‌ی، محمدمنان. ۱۳۹۱، تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری، فصلنامه مطالعات شهری ایرانی اسلامی، شماره ۷، ۱۲-۵.

Bagheri Dolatabadi, A., Sangsefidi, M. R., (2011). The Role of Religious Ideas in Politics: Transverse or Substantial. Quarterly Research Policy, 12 (29), 53-80.

Diba, D. (2002). Editorial, Architecture Urban Design. 68 & 69.

Habibi, S. M. (2008). A Fine Architecture Is Created with Fine Persons, The Second Conference and Exhibition of Iranian School Iranian Architecture, 54-56.

Hojjat, I. (2003). Architectural Education and Excessive Values, HONAR-HA-YE-ZIBA, 14, 63-70.

Noghrekar, A., Hamze-Nejad, M., Foruzandeh, A., (2009). The Secret to the Immortality of Architecture. Journal of Sad Sad, 6 (12), 31-44.

Rostampour, K., Mosaferzadeh, G., Nazif, H., (2014). The evolution of social identity, the consequence of modernizing architecture and urbanization in petroleum cities of Khuzestan, 15 (39), Bagh-e-Posad, 11-22.

ثبات‌ثانی، ناصر. ۱۳۹۱، مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰ هجری شمسی، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۱۱، ۶۰-۴۹.

جینکز، ریچارد. ۱۳۸۱، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.

چاوشیان، حمید. ۱۳۸۳، سبک زندگی و هویت اجتماعی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

دبده، محمد. ۱۴۰۰، طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات طحان گستر.

دبده، محمد. رضوان‌پناه، مجید. ۱۳۹۹، بازآفرینی شهرهای تاریخی با حفظ ارزشمندی بافت‌های فرسوده شهری در رسیدن به یک هویت واحد در جهت ماندگاری و جاودانگی آن، اولین همایش ملی بازآفرینی شهری در شهر ایرانی، بجنورد-ایران، ۱۴-۱.

دبده، محمد. رضوان‌پناه، مجید. ۱۴۰۰، فلسفه و معماری، کنفرانس ملی معماری، عمران، شهرسازی و افق‌های هنراسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز-ایران، ۱۰-۱.

دبده، محمد. صدیق، مرتضی. رضوان‌پناه، مجید. ۱۴۰۱، نقد و بررسی کتاب «طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی»؛ از مجموعه آثار معمار دبده، نقد و بررسی کتاب «طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی»؛ از مجموعه آثار معمار دبده، فصلنامه علمی معماری و شهرسازی «معمار شهر»، دوره ۱، شماره ۴، ۹۸-۱۱۷.

دوبور، گی. ۱۳۹۲، جامعه‌نمایشی، تفسیرهایی درباب جامعه‌نمایشی، ترجمه بهروز صفدری. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگه.

ضرغامی، اسماعیل. مهدوی‌نژاد، جمال‌الدین. فتوره‌چی، درسا. ۱۳۹۶، ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان باطبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی، نشریه معماری شهری، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳-۱.

عیسی‌زاده، کوثر. ۱۳۹۵، تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۷۱، ۹۶-۴۶.

فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۷۱، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. چاپ اول. تهران: انتشارات فضا.